

مجله زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ششم - بهار و تابستان ۱۳۸۷

تحلیل گروه فعلی هسته ای زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه گرا

دکتر عباسعلی آهانگر*

دانشیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

در این مقاله ساخت سازه ای درونی و شیوه ی اشتقاق نحوی گروه فعلی هسته ای (VP core) در زبان فارسی بر اساس برنامه کمینه گرا (Minimalist Program) مبتنی بر نظریه ی چامسکی (۱۹۹۵) مورد بررسی قرار می گیرد. گروه های فعلی هسته ای زبان فارسی با توجه به ماهیت لازم یا متعدی بودن هسته ی واژگانی ترکیب سازه ای گوناگونی دارند. در این بررسی بحث خواهد شد که در اشتقاق ساخت سازه ای گروه فعلی هسته ای و در نهایت جمله یا بند (اصلی / درونه ای) در این زبان عملیات، اصول و روابط نحوی ویژه ای مانند: گزینش (Select(ion)، ادغام (Merge(er)، اصل هسته (Headedness) Principle، رابطه ی متممی (complementhood) و رابطه ی تئای (thematic relation) دخیل هستند و باعث تولید اشتقاق های زبانی همگرا (convergent) می شوند. به علاوه، نشان داده خواهد شد که در ساخت گروه فعلی هسته ای زبان فارسی، رابطه هسته - هسته موجود بین فعل هسته متعدی

* E-mail: Ahangar @ hamoon.usb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۲۴

و هسته سازه‌های متمم گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای با هسته متمم‌بندی (clausal complement) متفاوت است.

واژگان کلیدی: گروه فعلی هسته‌ای، عملیات گزینش، عملیات ادغام، رابطه‌ی متممی، رابطه‌ی تنایی.

مقدمه

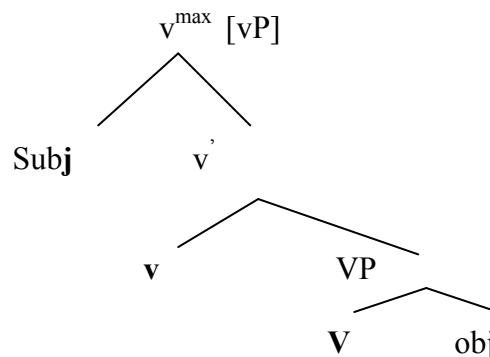
در چارچوب برنامه کمینه‌گرا، زبان ترکیبی از واژگان (lexicon) شامل ویژگی‌های منحصر به فرد عناصر واژگانی و نظام محاسباتی (computational system) به‌عنوان تولیدکننده جمله نماها (phrase markers) قلمداد می‌شود (چامسکی، ۱۹۹۵: ۱۶۸). بر این اساس، در روند اشتقاق جمله‌ها و عبارت‌های زبانی نظام محاسباتی با شمارگانی از عناصر واژگانی آغاز می‌شود. عملیات نظام محاسباتی به‌طور برگشتی سازه‌های نحوی را از عناصر موجود در شمارگان واژگانی (Numeration) و سازه‌های نحوی ساخته شده‌ی قبلی می‌سازد. عمده‌ترین عملیات نظام محاسباتی دخیل در اشتقاق عبارت‌های زبانی عبارتند از: گزینش، ادغام، حرکت/جذب آلفا (Move/Attract- α). بدون تحقق عملیات گزینش و ادغام اشتقاقی حاصل نخواهد شد. این عملیات بی‌خرج (costless) هستند و در حوزه‌ی همگرایی و اقتصاد قرار نمی‌گیرند. پس از تولید جمله‌نماها که در آنها هر واژه در قالب مجموعه‌ای از مشخصه‌های آوایی، معنایی و دستوری یا مشخصه‌های صوری (Formal Features/FF) نمود می‌یابد، فرایند بازنمون (spell out) مشخصه‌های آوایی عناصر واژگانی را از مشخصه‌های معنایی آنها جدا می‌کند و این مشخصه‌ها، به ترتیب، درونداد عملیات، سطح صورت آوایی و سطح صورت منطقی قرار می‌گیرند و پس از انجام محاسبات مربوط، به نوبه‌ی خود، در سطح فراگویی - ادراکی و مفهومی - منظوری تعبیر می‌شوند (همان: ۲۳۲ - ۲۲۵).

افزون بر ملاحظات نظری فوق الذکر، چامسکی (۱۹۹۵) در توجیه اشتقاق ترکیب سازه ای درونی و پیچیده گروه های فعلی در زبان انگلیسی، به پیروی از لارسن (۱۹۸۸، ۱۹۹۰)، وجود دو نوع گروه فعلی را فرض می کند:

(۱) گروه های فعلی هسته ای که شامل هسته واژگانی و یک متمم می شوند؛

(۲) گروه های فعلی پوسته ای (vP shells) که بیش از یک متمم دارند؛

گروه های فعلی پوسته ای ساختاری دو لایه ای دارند و به عنوان گروه های فعلی متشکل از یک گروه فعلی هسته ای درونی تر (inner VP core) با هسته ای واژگانی و گروه فعلی پوسته ای بیرونی تر (outer vP shell) قلمداد می شوند. هسته ای گروه فعلی پوسته ای بیرونی فعلی سبک (light verb/v) انتزاعی است که ماهیت سببی (causative) یا عامل گری (agentive) دارد (چامسکی، ۱۹۹۵: ۳۳۴، ۳۱۵، ۶۲ و ردفورد (Radford)، ۲۰۰۴: ۳۵۶-۳۳۶، هورنستین (Hornstein) و دیگران، ۲۰۰۵: ۹۹-۹۷). با توجه به تبیین پوسته ای یا لایه ای از ساخت گروه فعلی، چامسکی (۱۹۹۵) چنین طرحی را به ساخت های فعل متعدی نیز تعمیم، و آن را به صورت زیر نشان می دهد: (۱)



(همان: ۳۵۲)

بررسی داده های زبانی زبان فارسی نشان می دهد که ترکیب سازه ای درونی گروه فعلی در این زبان نیز به گونه ای است که می توان گروه های فعلی هسته ای را از گروه های فعلی

پوسته ای متمایز ساخت و ساختار نحوی هر کدام را بر اساس مبانی و اصول نظری برنامه کمینه گرا تحلیل کرد. آنچه در این مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت، مطالعه‌ی ساخت درونی و شیوه‌ی اشتقاق گروه فعلی هسته ای در زبان فارسی است. پرداختن به ساختار نحوی و نحوه‌ی اشتقاق گروه فعلی پوسته ای در این زبان، پژوهش جداگانه ای را می طلبد.

۲- تحلیل اشتقاق گروه فعلی هسته ای در زبان فارسی

به عقیده‌ی چامسکی (۱۹۹۵)، عبارات زبانی (λ و π) علاوه بر ارضای شرایط برون‌دادی (output conditions) در سطوح متعامل صورت‌آوایی و صورت‌منطقی، باید سازگار (compatible) و مبتنی بر گزینش‌های واژگانی یکسانی نیز باشند. در این راستا، نظام محاسباتی به عنوان ترسیم کننده‌ی نوعی آرایه (array) از گزینش‌های واژگانی، تحت عنوان شمارگان واژگانی برای جفت عبارات λ و π پنداشته می‌شود. مجموعه شمارگان واژگانی، به نوبه‌ی خود، نشانگر گزینش‌های واژگانی و تعداد دفعات گزینش هر یک از عناصر واژگانی توسط نظام محاسباتی به منظور تولید این عبارات زبانی است. بر این اساس، شمارگان واژگانی به عنوان درون‌داد نظام محاسباتی به صورت مجموعه ای از جفت‌های (LI, i) در نظر گرفته می‌شود که 'LI' عنصری از واژگان و 'i' نمایه و نشان دهنده‌ی تعداد دفعاتی است که عنصر واژگانی گزینش می‌شود. در فرایند اشتقاق عبارات زبانی، نظام محاسباتی عنصر واژگانی را از شمارگان واژگانی برمی‌گزیند و نمایه آن را تا عدد یک کاهش می‌دهد و سپس محاسبات ممکن را بر روی آن انجام می‌دهد. محاسبه‌ی حاصل هرگز به عنوان اشتقاق (همگرا) تلقی نخواهد شد، مگر اینکه نمایه‌های عناصر واژگانی به عدد صفر کاهش یابد (همان: ۲۲۵). بر اساس این توجیه، به عنوان نمونه، جمله (۲) از شمارگان واژگانی ارائه شده در (۳) مشتق خواهد شد (به منظور سادگی، از ارائه ویژگی‌های صوری مختلف این عناصر واژگانی صرف نظر گردیده است).

(۲) آن مرد آن کتاب را خواند.

(۳) { (آن، ۲)، (مرد، ۱)، (کتاب، ۱)، (را، ۱)، (خواندن، ۱) }

پس از مشخص شدن آرایه‌ی اشتقاق مورد نظر، این آرایه باید نشان دهنده رابطه‌ی سازگاری سطح صورت آوایی و صورت منطقی و در عین حال بهینگی باشد (چامسکی، ۱۹۹۵: ۲۲۷). در روند اشتقاق عبارات زبانی، عملیات نظام محاسباتی به منظور تولید اشتقاق‌های همگرا به طور برگشتی هدف‌های نحوی (syntactic objects/SO) را از عناصر موجود در شمارگان واژگانی و هدف‌های نحوی ساخته شده قبلی می‌سازد. نخستین عملیات نظام محاسباتی عملیات گزینش است که پس از گزینش عنصر واژگانی از شمارگان واژگانی، نمایه اش را به عدد یک کاهش داده، آن را در مسیر اشتقاق قرار می‌دهد. اشتقاق حاصل در صورتی در سطح صورت منطقی تعبیر خواهد شد که فقط از یک هدف نحوی تشکیل شده باشد. سپس عملیات ادغام فقط بر روی ریشه‌ها عمل کرده، هدف‌های نحوی گزینش شده را جهت تشکیل مقوله‌های نحوی متوالی بزرگتر به صورت جفتی و چرخه‌ای (cyclic) با یکدیگر ترکیب می‌کند. از این جنبه، نیز، اشتقاقی همگرا تلقی می‌شود که این عملیات به قدر کافی بر آن اعمال گردد تا در اشتقاق حاصل فقط یک هدف نحوی باقی بماند. بر این اساس، عملیات ادغام پس از ترکیب جفت هدف‌های نحوی $SO_i(=\alpha)$ و $SO_j(=\beta)$ هدف نحوی بزرگتری را به صورت $SO_{ij}(=K)$ می‌سازد که در آن α و β سازه‌های K محسوب می‌شوند (همان: ۲۴۳، ۲۲۸-۲۲۶). بر پایه‌ی آنچه بیان گردید، هدف‌های نحوی به عنوان درونداد عملیات ادغام و محاسبات بعدی به صورت آنچه در (۴) آمده است، تحقق خواهند یافت:

(۴) الف- عناصر واژگانی (که مجموعه‌ای از مشخصات هستند و در واژگان فهرست

می‌شوند)

ب- $K = \{\gamma, \{\alpha, \beta\}\}$ که در آن :

i- α و β هدف نحوی هستند؛

ii- γ نوع مقوله نحوی K را مشخص می‌کند؛

iii- γ عنوان (label) سازه K است؛ (همان: ۲۴۳).

همچنین، چامسکی تعیین عنوان برای هدف‌ها یا سازه‌های نحوی حاصل از فرایند ادغام را فرایندی می‌پندارد که به شیوه‌ای اشتقاقی (derivationally) درون نظام محاسباتی تحقق می‌یابد و آن را به سطوح بعدی اشتقاق موکول نمی‌کند (همان). در این ارتباط، عملیات ادغام به شیوه‌ای نامتقارن (asymmetric) عمل می‌کند. به این مفهوم که هر یک از سازه‌های سازنده K یعنی α و β که فرافکنی کند، هسته و عنوان سازه‌ی نحوی بزرگتر (K) قلمداد خواهد گردید. بنابراین، اگر سازه‌ی α فرافکنی کند این عنصر هسته‌ی سازه‌ی نحوی بزرگتر محسوب می‌شود و سازه‌ی نحوی حاصل عنوان سازه‌ی α را به خود خواهد گرفت. بر این اساس، هدف نحوی (۴-ب) به صورت (۵) تحقق خواهد یافت:

$$K = \{\alpha \{\alpha, \beta\}\}$$

(همان: ۲۴۶-۲۴۴)

به علاوه، عملیات ادغام سازه‌های نحوی از دو اصل زیر پیروی می‌کند:

(۶) اصل هسته: هر ساخت دستوری فرافکنی واژه‌ی هسته است؛

(۷) اصل ترکیب دوتای (binary principle): هر ساخت دستوری دو شاخه‌ای (binary-

branching) است (ردفورد، ۲۰۰۴: ۷۰). به بیان دیگر، همه‌ی گروه‌های غیر پایانی ساخت

های نحوی (نمودارهای درختی) دو شاخه‌ای هستند (همان: ۴۳۸).

بر پایه‌ی اصل (۶) هسته هر گروه نحوی تعیین‌کننده‌ی ویژگی‌های دستوری و معنایی

آن گروه است و بر پایه‌ی اصل (۷) سازه‌های نحوی به شیوه‌ای جفتی با هم ادغام می‌شوند و

سازه‌های بزرگتر را می‌سازند (همان: ۷۵-۶۶).

از سوی دیگر، بر پایه‌ی نظریه ساخت گروهی‌عریان (bare phrase structure theory)

که در برنامه‌ی کمیته‌گرا مطرح گردیده است، مقوله‌های نحوی به عنوان ترکیب‌های مقدماتی

(elementary constructions) و ویژگی‌های عناصر واژگانی در نظر گرفته می‌شوند که شرط

فراگیرندگی (inclusiveness condition) را بر آورده می‌سازند.

(۸) شرط فراگیرندگی: هر ساخت تولید شده توسط نظام محاسباتی (به ویژه π و λ)، از عناصر واژگانی گزینش شده قبلی برای شمارگان واژگانی ساخته می شود؛ در جریان اشتقاق، هدف های نحوی جدیدی جز بازآرایی (rearrangement) ویژگی های واژگانی وجود ندارد (چامسکی، ۱۹۹۵: ۲۲۸).

افزون بر این، با توجه به اصل (۸)، در چارچوب این نظریه هیچ سطح تیره ای وجود ندارد و هیچ گونه تمایزی بین عناصر واژگانی و هسته های فرافکنی شده از آنها فرض نگردیده است. اطلاعات مربوط به تعداد سطوح فرافکنی کمینه (هسته)، میانی و بیشینه ای بخشی از مدخل واژگانی عناصر هسته پنداشته نمی شود و یک عنصر واژگانی می تواند هم به عنوان فرافکنی کمینه (X^0) و هم به عنوان فرافکنی بیشینه (XP) قلمداد شود در واقع، فرافکنی های کمینه ای و بیشینه ای هیچ نشانه ی خاصی ندارند و باید در ساختی که در آن ظاهر می شوند، تعیین شوند (همان: ۲۴۲ و ۲۴۹). بدین ترتیب، درج عناوین مقوله ای و سطوح فرافکنی در نمایش های قلابگذاری و نمودار درختی ضروری نیست.

با در نظر گرفتن آنچه در مورد مبانی نظریه ساخت گروهی عریان بیان شد، عنصر واژگانی 'LI' به عنوان عنصر پایانی ای در نظر گرفته می شود که از شمارگان واژگانی گزینش می گردد و با هیچ جزو دیگری از نظام محاسباتی (بجز مشخصه ها) مرتبط نیست. مقوله ی کمینه X^{\min} به عنوان عنصر پایانی ای که فاقد جزو مقوله ای است، و مقوله X^{\max} به عنوان فرافکنی بیشینه ای تنها فرافکنی های موجود در ساخت های نظام محاسباتی محسوب می گردند. در چنین ترکیب سازه ای، هسته ها به عناصر پایانی محدود می شوند. مقوله ی ایکس صفر- تیره (X^0) هسته یا مقوله ای است که از اتصال به هسته X که فرافکنی می کند، ساخته می شود. فرافکنی بیشینه ی هسته ی ایکس صفر- تیره نیز که به عنوان فرافکنی سطح صفر بیشینه (maximal zero-level projection/ $X^{0\max}$) تلقی می گردد، شامل هر فرافکنی دیگری از ایکس تیره می شود که در سطح صورت منطقی و به منظور انجام محاسبه ی نامرئی (invisible) است. بدین ترتیب، هسته ی فرافکنی K به صورت: H(K) خواهد بود. پس:

(۹) اگر $H = H(K)$ و K فرافکنی بیشینه باشد، سپس $K = HP$ است (همان: ۲۴۵).
 بر این اساس، با توجه به اینکه هسته ها نقش تعیین کننده عنوان گروه نحوی را بر عهده دارند، در صورتی که α در روند اشتقاق فرافکنی کند، سازه بیشینه (K) در طول روند اشتقاق به عنوان گروهی از نوع α عمل خواهد کرد و در سطح صورت منطقی به عنوان فرافکنی بیشینه α تعبیر خواهد شد. همچنین، عنوان K نه صرفاً برای خود سازه α ، بلکه برای $H(K)$ نیز در نظر گرفته می شود. اکنون، با توجه به قاعده‌ی (۹)، نمایش اشتقاقی (۵) به صورت (۱۰) خواهد بود:

$$K/HP = \{ H(K), \{ \alpha, \beta \} \} \quad (10)$$

که در آن $H(K)$ هسته و عنوان α تلقی می شود (همان: ۲۴۶-۲۴۵).

در زبان فارسی همه گروه های نحوی، به استثنای گروه فعلی، هسته-آغازی هستند. ساخت گروه فعلی در این زبان به همراه متمم های گروهی هسته-پایانی، و به همراه متمم های بندی هسته-آغازی است (کریمی ۱۹۸۹، درزی ۱۹۹۶، آهنگر ۱۳۸۱). بنابراین، در زبان فارسی مقوله های گروهی غیر فعلی و گروه های فعلی هسته-آغازی نمایش های اشتقاقی (۵) و (۱۰) را خواهند داشت. اما، در مواردی که گروه فعلی هسته-پایانی باشد، نمایش های (۵) و (۱۰)، به ترتیب، به صورت (۱۱) و (۱۲) تحقق خواهند یافت:

$$K = \{ \alpha, \{ \beta, \alpha \} \} \quad (11)$$

$$K/HP = \{ H(K), \{ \beta, \alpha \} \} \quad (12)$$

۲-۱- انواع گروه های فعلی هسته ای در زبان فارسی

با توجه به ترکیب سازه ای گروه های فعلی هسته ای در زبان فارسی از نظر وجود یا عدم وجود متمم و ماهیت فعل هسته به عنوان عنصری واژگانی، این گروه های فعلی را می توان به زیر طبقه هایی تقسیم کرد که عبارتند از:

۲-۱-۱- گروه فعلی دارای فعل لازم:

گروه فعلی است که در آن فعل هسته هیچ نوع متممی ندارد. مانند: رفتن، آمدن، مردن، خوابیدن، دویدن، و نشستن. به عنوان نمونه، گروه فعلی، به عنوان هدف نحوی (A)، در جمله‌ی (۱۳) نمایش اشتقاقی و نمایش ساخت گروهی (۱۳- الف) را دارد:

(۱۳) جواد خوابید.

(۱۴) الف- گروه فعلی (A) = { < خوابیدن >، { خوابیدن } }:

گ ف = [ی ف] [ف خوابیدن]

۲-۱-۲- گروه فعلی دارای فعل متعدی یک متممی:

گروه فعلی است که فعل هسته ی آن به متمم نیاز دارد. متمم ممکن است گروه اسمی، گروه حرف اضافه و یا بند متمم (complement clause) باشد. در این ترکیب سازه ای گروه فعلی هسته ای، رابطه‌ی بین فعل هسته و سازه‌ی متمم رابطه ای محلی (local)، بنیادی و به گونه ای است که رابطه‌ی تتایی بین آنها برقرار است (چامسکی، ۱۹۹۵: ۱۷۲ و ۲۴۵). بر اساس رابطه‌ی تتایی، فعل هسته نقش معنایی (θ -role) مناسب را به سازه های متممی اعطا می کند. برای اشتقاق ساخت متممی فعل، عملیات ادغام بر اساس الزام گزینشی موجود بین فعل هسته و هسته گروه و یا بند متممی برانگیخته می شود. تحقق ویژگی های گزینشی فعل هسته مستلزم ادغام آن با عنصری است که بتواند به آن نقش معنایی مناسب را از قبیل: عامل (agent)، پذیرا (patient)، مبداء (source)، مقصد (goal) و غیره بدهد. ارتباط تتایی اساسا یک ویژگی پایه است. این ویژگی مبتنی بر جایگاه عملیات ادغام و ترکیب سازه ای خیلی محلی است (چامسکی، ۱۹۹۵: ۲۴۵ و ۳۱۴-۳۱۲). بنابراین، رابطه‌ی نحوی بین فعل هسته و متمم آن که محلی ترین رابطه است به صورت زیر تعریف می شود:

(۱۵) رابطه متممی:

سازه‌ی X متمم فعل هسته H (و در صورت گسترش، هر ایکس تیره یا سازه‌ی بیشینه‌ی ای (HP) است که فرافکنی‌ای از H باشد) است، اگر H و X خواهر باشند و مادر X فرافکنی‌ای از X باشد (ردفورد، ۱۹۹۷: ۱۰۱).

به علاوه، روابط نحوی سازه فرمانی (c-command) و رابطه‌ی خواهری نیز بین هسته‌ی فعلی و سازه‌ی متممی برقرار است (چامسکی، ۱۹۹۵: ۳۵).

در زبان فارسی، فعل هسته، به عنوان عنصر واژگانی پایانی گروه فعلی، هسته گروه اسمی و یا گروه حرف اضافه متمم خاصی را انتخاب می‌کند. نقش مهم فعل هسته در تبیین ویژگی‌های دستوری و معنایی هسته سازه متمم اسمی و حرف اضافه‌ی ای در جمله‌های (۱۶) و (۱۷) نشان داده شده است. در جمله‌های "الف" (۱۶) و (۱۷) رابطه هسته - هسته از نظر گزینش مقوله‌ی نحوی و در جمله‌های "ب" (۱۶) و (۱۷) از نظر اعطای نقش معنایی مناسب بین فعل هسته و هسته‌ی گروه اسمی ("کتاب" نقش معنایی "پذیرا" را دارد) و گروه حرف اضافه‌ی ای ("به بچه" نقش معنایی "مقصد" را دارد) برقرار است. فقدان چنین رابطه‌ی ای موجب تولید جمله‌های غیردستوری می‌شود.

(۱۶) الف - آن مرد × رفتن (ف) / × خوب (ص/ق) / × از کتابخانه (گ ح ا) / کتاب را (گ ا)

خواند.

ب - آن مرد × با قلم / × پسر / کتاب را خواند.

(۱۷) الف - آنها × از / × در / × تا / به بچه پول دادند.

ب - آنها × به فضا / × به غذا / به بچه پول دادند.

از سوی دیگر، اگر چه بعضی از فعل‌های هسته در زبان فارسی بر پایه‌ی الزامات گزینشی (selectional requirements) به متمم‌بندی نیاز دارند، اما، نوع خاصی از عنصر متمم نما (complementizer/C) را به عنوان هسته بند متمم انتخاب نمی‌کنند. در واقع، همه‌ی بندهای متممی با هر ماهیتی با عنصر متمم نمای ختثای "که" آغاز می‌شوند. مانند:

(۱۸) الف - احمد به بیمارستان رفت که مادرش را ملاقات کند. (بند افزوده ای)

ب - من مردی را که (او را) در خیابان دیدید، می شناسم. (بند موصولی)

پ - ازت پرسیدم که کی رو تو دانشگاه می شناسی؟ (بند متمم - پرسشی)

ت - او به رضا گفت که پدرش پزشک است. (بند متمم - خبری)

با این وجود، در ترکیب سازه ای گروه فعلی هسته ای دارای متمم بندی، بین فعل هسته و بند متمم رابطه‌ی تتایی وجود دارد و این بند نقش معنایی پذیرنده (theme) را از فعل مربوط دریافت می کند (آهنگر، ۱۳۸۱).

گروه های فعلی هسته ای دارای سازه‌ی متممی در زبان فارسی از ترکیب سازه ای متنوعی برخوردارند که شیوه‌ی اشتقاق هر کدام در آنچه خواهد آمد، توجیه خواهد شد.

الف - گروه فعلی با متمم گروه اسمی:

بعضی از فعل ها فقط یک گروه اسمی را به عنوان متمم انتخاب می کنند، مانند: زدن، بردن، خواندن، دیدن. به منظور اشتقاق گروه فعلی در جمله (۱۹)، عملیات گزینش، ابتدا، عنصر واژگانی "کتاب" را از شمارگان واژگانی برمی گزینند. در زبان فارسی، از آنجایی که گروه اسمی در نقش مفعول صریح به اجبار همراه با نشانه مفعول صریح "را" به کار می رود، فرض بر این است که این نشانه نیز به عنوان عنصر واژگانی نقش نما با عنصر واژگانی "کتاب" ادغام می شود و سازه (هدف) نحوی بزرگتر (گروه اسمی / A) را به صورت نمایش اشتقاقی و ساخت گروهی (۲۰- الف) می سازد. عملیات گزینش، سپس، فعل "خواندن" را انتخاب و آن را با گروه اسمی از قبل ساخته شده (A) به عنوان متمم ادغام می کند و، به این ترتیب، جفت سازه گروه فعلی (B) را، همانند آنچه در (۲۰- ب) آمده است، به وجود می آورد.

(۱۹) احمد کتاب را خواند.

(۲۰) الف - گروه اسمی (A) = { < کتاب > ، { کتاب ، را } }:

گ ۱ = [گ_۱ کتاب] [ن م را]

ب- گروه فعلی (B) = { < خواندن > ، { A ، خواندن } } = { < خواندن > ،
 { < کتاب > ، { کتاب ، را } ، خواندن } }:
 گ ف = [ی ف] [ا ح] [با] [ا دشمن] [[

ب- گروه فعلی با متمم حرف اضافه ای:

پاره ای از فعل ها فقط یک گروه حرف اضافه ای را به عنوان متمم زیر مقوله ای می کنند. از قبیل: ترسیدن، جنگیدن، کمک کردن، شکایت کردن. برای اشتقاق گروه فعلی در جمله ای مانند (۲۱) پس از انتخاب عناصر واژگانی مربوط توسط عملیات گزینش، عملیات ادغام، نخست، حرف اضافه‌ی هسته "با" را با اسم "دشمن" به عنوان متمم ترکیب می کند و گروه حرف اضافه "با دشمن" را با نمایش اشتقاقی و ساخت گروهی (۲۲- الف) مشتق می کند. سپس، این عملیات فعل هسته "جنگیدن" را با متمم گروه حرف اضافه ای ادغام می کند. بر این اساس، نمایش و ساخت گروهی (۲۲- ب) تحقق خواهند یافت.

(۲۱) آنها با دشمن جنگیدند.

(۲۲) الف- گروه حرف اضافه (A) = { < با > ، { دشمن } }:

گ ح ا = [ی ح] [ا ح] [با] [ا دشمن] [[

ب- گروه فعلی (B) = { < جنگیدن > ، { A ، جنگیدن } } = { < جنگیدن > ،

{ < با > ، { دشمن } }:

گ ف = [ی ف] [ا ح] [با] [ا دشمن] [[

پ - گروه فعلی با متمم بندی:

فعل‌هایی مانند فکر کردن، امیدوار بودن، حدس زدن، ادعا کردن و گمان کردن با بند درونه ای به عنوان متمم به کار برده می شوند. در اشتقاق گروه های فعلی دارای متمم بندی عملیات نظام

محاسباتی شامل گزینش و ادغام، ابتدا، ساخت نحوی سازه های درونی و در نهایت خود بند متمم را می سازند. سپس، این عملیات ترکیب سازه ای گروه فعلی با متمم بندی را تولید خواهند کرد. بدین ترتیب، پس از گزینش افعال مربوط، عملیات ادغام بند متمم حاصل را با فعل هسته درون گروه فعلی مورد نظر ترکیب و ساخت سازه ای این گروه نحوی را مشتق می کند. نمایش ساده و کلی اشتقاقی و ساخت گروهی گروه فعلی دارای بند متمم (۲۳) به صورت (۲۴- الف) نشان داده می شود (شیوهی اشتقاق بند درونه ای در قسمت بعدی توضیح داده خواهد شد).

(۲۳) من فکر می کنم که علی کتاب را خواند.

(۲۴) الف- گروه فعلی (A) = { < فکر کردن > ، { فکر کردن ، YP } }:

گ ف = [گ ف] [ف فکر کردن] [ب م YP] (بند متمم = YP)

۲-۱-۲-۱- اشتقاق بند درونه ای یا گروه متمم نما (Complementizer Phrase/CP):

عملیات نظام محاسباتی در اشتقاق ترکیب سازه ای بند اصلی یا گروه تصریف/گ ت (Inflectional Phrase/IP) و بند درونه ای یا گروه متمم نما همانند اشتقاق مقوله های گروهی عمل می کنند. براین اساس، بندهائیز از طریق عملیات ادغام دوتایی (binary merger operations) و مبتنی بر اصل هسته مشتق می شوند. بر پایه ی اصل هسته، هسته بند اصلی عنصر زمان و هسته گروه متمم نما عنصر متمم نما است و فرافکنی های پیشینه ای هر یک، به ترتیب، به صورت گروه زمان (Tense Phrase/TP) و گروه متمم نما تحقق می یابد. در فرایند اشتقاق ساختار گروه متمم نما، پس از گزینش عناصر واژگانی سازنده ی آن و ایجاد آرایه ی اشتقاقی مربوط، عملیات ادغام از درونی ترین سازه ها عمل می کند، به شیوه ی چرخه ای، محلی و سلسله مراتبی جفت سازه های مربوط را با یکدیگر ترکیب می کند و سازه های نحوی بزرگتر را مشتق می سازد. بنابراین، در این فرایند، نخست، ترکیب سازه ای درون گروه فعلی با

توجه به ماهیت فعل هسته ساخته می شود. سپس، عملیات ادغام این سازه را به عنوان متمم تصریف هسته (Inflection/INF/I) با آن ترکیب و سازه‌ی بزرگتر تصریف میانه (ت م / آ) رابه وجود می آورد. عنصر تصریف (ت) هسته‌ای نقشی است که مشخصه های مطابقه (Agreement/AGR) را در قالب زمان و شمار می نمایاند. از سوی دیگر، در روند اشتقاق بند، ارضای التزام مشخصه های گروه اسمی قوی (strong NP features) تصریف هسته، که بر اساس آن مشخصه قوی عنصر تصریف تنها از طریق حضور گروه اسمی در جایگاه فاعل یا مشخص گر (specifier) گروه تصریف در روند بازبینی مشخصه (feature checking) تعبیر خواهد شد، و همچنین، ضرورت تحقق و رعایت اصل فرافکنی گسترده که بر اساس آن وجود فاعل در جمله اجباری است، مستلزم آن است که گروه اسمی در جایگاه مشخص گر جمله یا گروه تصریف پیشینه ([Spec;IP]) وقوع یابد (چامسکی، ۱۹۹۵: ۳۵۵، ۲۳۲، ۵۵ و ردفور، ۲۰۰۴: ۷۳).

وقوع گروه اسمی فاعلی در جایگاه مشخص گر گروه تصریف می تواند حاصل دو فرایند در نظر گرفته شود:

الف- فرض وقوع گروه اسمی فاعلی در جایگاه مشخص گر گروه فعلی مبتنی بر فرضیه فاعل درون گروه فعلی (VP-internal Subject Hypothesis)، و سپس حرکت آن به جایگاه مشخص گر گروه تصریف و ادغام با تصریف میانه و ایجاد گروه تصریف پیشینه (ردفور، ۲۰۰۴: ۲۵۰-۲۴۴).

ب- فرض حضور گروه اسمی فاعلی در آرایه‌ی شمارگان واژگانی و ادغام آن با سازه‌ی تصریف میانه و سرانجام تشکیل گروه تصریف پیشینه.

با توجه به اینکه در مبانی نظری برنامه کمینه گرا اشتقاق های کوتاه تر همیشه بر اشتقاق های طولانی تر مقدم هستند و عملیات ادغام در حوزه ملاحظات اصل اقتصاد قرار نمی گیرد. به علاوه، عملیات ادغام و اصل تعلل (procrastination principle) بر عملیات حرکت رجحان

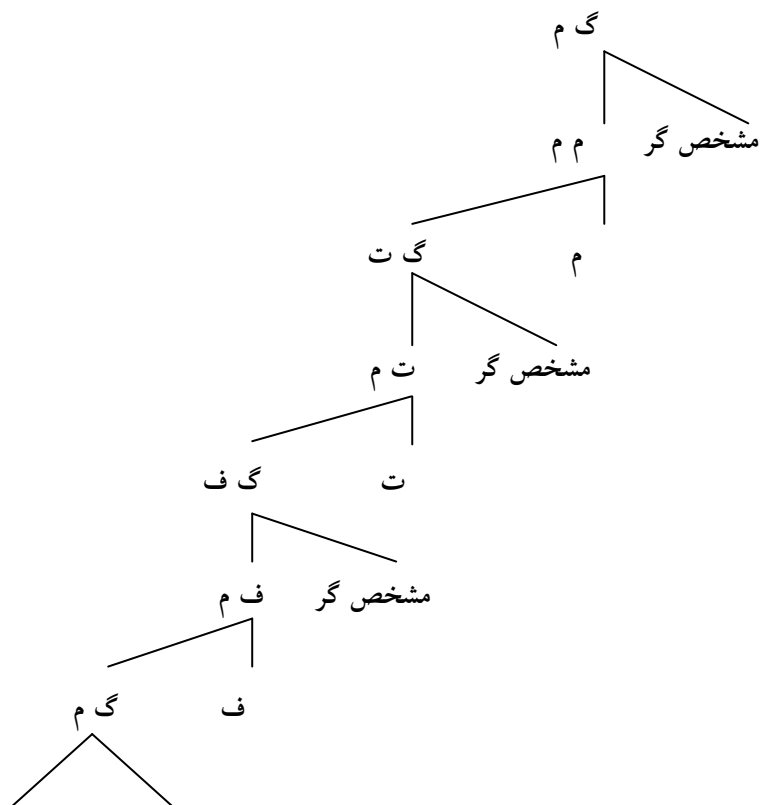
دارند و هر نوع حرکتی به عنوان آخرین چاره (last resort) تلقی می گردد (چامسکی، ۱۹۹۵: ۳۵۷، ۲۵۶، ۲۲۶، ۲۰۱-۲۰۰، ۱۳۹)، نگارنده فرض دوم را بر فرض اول ترجیح می دهد. به این ترتیب، حضور گروه اسمی فاعلی در آرایه‌ی شمارگان واژگانی از یک سو، و ارضای التزام مشخصه‌های گروه اسمی قوی تصریف هسته و رعایت اصل فراقی گسترده از سوی دیگر، باعث می شوند تا عملیات گزینش گروه اسمی فاعلی را از درون شمارگان واژگانی برگزیند و، پس از آن، عملیات ادغام این سازه‌ی نحوی را به عنوان مشخص‌گر با تصریف میانه ترکیب کند و سازه‌ی بزرگتر گروه تصریف پیشینه را بسازد. در این ترکیب سازه ای گروه اسمی فاعلی سازه‌ی خواهرتصریف میانه و دخترگروهتصریف پیشینه است. رابطه‌ی نحوی هسته- مشخص‌گری بین تصریف هسته و مشخص‌گر (گروه اسمی فاعلی) واقع در گروه تصریف به صورت زیر بیان می شود:

(۲۵) رابطه‌ی مشخص‌گری (specifierhood):

سازه‌ی X مشخص‌گر هسته H (و هر سازه گسترش یافته ایکس- تیره و HP ای است که H فراقنی کند) اگر Y خواهر ایکس- تیره و دختر XP باشد (ردفورد، ۱۹۹۷: ۱۰۲).

پس از اشتقاق گروه تصریف، روند اشتقاق بند درونه ای یا گروه متمم نما در نظام محاسباتی ادامه می یابد. در این روند اشتقاقی، عملیات ادغام سازه گروه تصریف را به عنوان متمم با عنصر متمم نما که نقش هسته گروه متمم نما را دارد، ترکیب می کند و سازه‌ی متمم نمای میانه (م/م) را به وجود می آورد. پس از آن، این سازه با مشخص‌گر گروه متمم نما ادغام و گروه متمم نمای پیشینه (گ م) ساخته می شود. رابطه‌ی مشخص‌گری (۲۵) بین هسته و عنصر مشخص‌گر گروه متمم نما نیز برقرار است. نمایش ساده و کلی اشتقاق گروه متمم نما واقع در گروه فعلی هسته ای در زبان فارسی به صورت نمودار درختی زیر نشان داده می شود:

(۲۶) نمایش درختی ساخت سازه ای بند(اصلی / درونه ای / گروه تصریف / گروه متمم نما):



شایان ذکر است که همه‌ی جمله‌ها یا بندهای اصلی و همه‌ی بندهای درونه‌ای از ترکیب سازه‌ای گروه متمم نمای ارائه شده در (۲۶) برخوردارند. تنها تفاوت بین دو نوع بند در پر یا خالی بودن جایگاه هسته گروه متمم نما است. در حالی که جایگاه هسته گروه متمم نما در بندهای درونه‌ای بسته به نوع فعل هسته می‌تواند پر یا خالی باشد. در بندهای اصلی جایگاه هسته گروه متمم نما به اجبار همیشه خالی است.

با توجه به آنچه در خصوص ترکیب سازه‌ای گروه فعلی دارای متمم بندی و شیوه‌ی اشتقاق بند (درونه‌ای) بیان گردید، گروه فعلی در جمله‌ای مانند (۲۷) به صورت نمایش‌های

اشتقاقی و ساخت گروهی ارائه شده در (۲۸) مشتق خواهد شد. درچنین جمله ای عملیات گزینش عناصر واژگانی و نقشی مربوط را از شمارگان واژگانی انتخاب و پس از آن عملیات ادغام به شیوه ای چرخه ای، دوتایی و سلسله مراتبی از درونی ترین چرخه از سمت پایین به بالا عمل می کند و سازه های جفتی بزرگتر و سرانجام گروه تصریف یا بند اصلی و گروه متمم نما یا بند درونه ای را مشتق می سازد.

(۲۷) من فکر می کنم که آن مرد کتاب را خواند.

(۲۸) الف- گروه اسمی (A) = { < کتاب > ، { کتاب ، را } }:

گ ا = [گ ا] [کتاب] [نم را]

ب- گروه فعلی (B) = { < خواندن > ، { A ، خواندن } } = { < خواندن > }:

{ { { < کتاب > ، { کتاب ، را } ، خواندن } } }

گ ف = [گ ف] [کتاب را] [ف خواندن]

پ- تصریف میانه (C) = { < ت > ، { B ، ت } } = { < ت م > ، { ت ، < خواندن > } }:

{ { { { < کتاب > ، { کتاب ، را } ، خواندن } } } }

ت م = [ت م] [ت] [ف] [گ ا] [کتاب را] [ف خواندن]

ت- گروه اسمی (D) = { < مرد > ، { آن ، مرد } }:

گ ا = [گ ا] [و آن] [مرد]

ث- گروه تصریف (E) = { < ت م > ، { C ، D } } = { < ت م > ، { < مرد > ، آن ،

مرد } }

متمم نما به عنوان متمم فعل هسته دارای ترکیب سازه ای خاص خود است و تحت تأثیرمیانی نظری، اصول و شرایط نحوی - معنایی مشابهی قرار دارد.

اختصارات:

گ ف : گروه فعلی	ا : اسم
گ ح ا : گروه حرف اضافه	ب م : بند متمم
گ م : گروه متمم نما	ح ا : حرف اضافه
م : متمم نما	ص : صفت
م م : متمم نمای میانه	ف : فعل
مش : مشخص گر	ق : قید
و : وابسته	گ ا : گروه اسمی

منابع

- ۱- آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۱) **بند متمم فعل در زبان فارسی**. مجله زبانشناسی. سال هفدهم. شماره دوم. مرکز نشر دانشگاهی. ۱-۲۷.
- ۲- دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۳) **زبان شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی**. تهران: سمت.
- ۳- غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۷۴) **ساخت زبان فارسی**. تهران: احیاء کتاب.
- ۴- کریمی، سیمین (۱۳۷۶) **از ژرف ساخت تا ساخت منطقی و نظریه مینیمالیست**. مجله زبانشناسی. سال دوازدهم. شماره اول و دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۴۷-۹۵.
- ۵- میرعمادی، علی (۱۳۷۹) **نحو زبان فارسی در قالب برنامه کمینگی**. تهران: نشر فرهیخته.
- 6-Bowicz, K.J. and Baker, M.C. (2003) **On directionality and the structure of the verb phrase: Evidence from Nupe**. *Syntax*, 6, 2 : 115- 155.
- 7-Chomsky, N. (1981) **Lectures on Government and Binding**. Foris, Dordrecht.
- 8-Chomsky, N. (1986) **Barriers**, the MIT Press, Cambridge. Mass.
- 9-Chomsky, N. (1995) **The minimalist program**. Massachusetts Institution of Technology.
- 10-Cook, V.J. and Newson M., (1996), **Chomsky's universal grammar**. Oxford: Blackwell.
- 11-Darzi, Ali (1996) **Word order, NP-movements, and Opacity conditions in Persian**. Ph.D dissertation, University of Illinois, Urbana.
- 12-Hornstein, Norbert, Jairo Nunes, and Kleanthes K. Grohmann (2005) **Understanding Minimalist**. Cambridge University Press.
- 13-Karimi, Simin (1989) **Aspects of Persian syntax, specificity, and the theory of grammar**. Ph.D dissertation, University of Washington.
- 14-Larson, R. (1988) **On the double object construction**. *Linguistic Inquiry*, 19: 335-391.
- 15-Larson, R. (1990) **Double objects revisited: Reply to Jackendoff**. *Linguistic Inquiry*, 21: 589-632.

- 16-Radford, A.(1997) **Syntactic and the structure of English**. Cambridge University Press.
- 17-Radford, A. (2004) **Minimalist syntax: Exploring the structure of English**. Cambridge University Press.
- 18-Sauerland, U. (1999) **Erasability and interpretation**. Syntax, 2, 3:161-188.
- 19-tepanov, A., (2001) **Late adjunction and minimalist phrase structure**. Syntax, 4, 2: 94-125.
- 20-Yang Charles, D.,(1999) **Unordered merge and its linearization**. Syntax, 2,1: 38-64.
- 21-Zwart, C. Jan-wouter, (2001) **Syntactic and phonological verb movement**. Syntax, 4, 1: 34-62.